

چارچوب مفهومی نقش زن در توسعه از منظر اسلامی

فاطمه محمدی^۱

چکیده

زنان به عنوان بخش قابل توجهی از جمعیت انسانی تشکیل دهنده پیکره جامعه به انحاء گوناگون، خواهند توانست در پیشرفت جامعه نقش خود را ایفا نمایند. از آن جا که جمهوری اسلامی ایران، مفهوم توسعه و پیشرفت را در حوزه زنان، نه بر پایه موازین غربی بلکه بر ایدئولوژی اسلامی استوار ساخته است لازم است راهبرهایی در این مسیر تبیین و تدوین گردد. از این رو در این مقاله کوشش شده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی توسعه از منظر اسلامی مورد واکاوی قرار گیرد تا از این طریق نقش زنان در مسیر توسعه جامعه تبیین گردد.

واژگان کلیدی: نقش زنان، اسلام، توسعه، قرآن، پیشرفت جامعه

مقدمه

در چند سال اخیر در کشورها مباحث توسعه جزو عمومی ترین مباحث علوم اجتماعی بوده‌اند. موضوع توسعه نیز بحث میان رشته‌ای، شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. در سطح منطقه‌ای و جهانی، مباحث مربوط به توسعه پایدار، عمده وقت و نیروی بسیاری از نخبگان ابزاری و نخبگان فکری را در بر گرفته است. در کشور ما، مسایل توسعه و توسعه یافتگی در مراحل بنیادی نظری می‌باشند. عدم وجود اجماع نظر پیرامون مبانی و جهت‌گیری توسعه یافتگی، مهم‌ترین مانع علمی در مسیر توسعه پایدار جامعه می‌باشد.^۲

از این‌رو، امروزه توسعه علمی، صنعتی و اقتصادی به عنوان یکی از اساسی‌ترین اهداف دولت‌ها و ملت‌ها محسوب می‌شود، در عصری که در آن زندگی می‌کنیم اعتبار یک ملت بر مبنای اطلاعات علمی، آگاهی‌ها و ارتقای فرهنگ آن جامعه می‌باشد. لذا تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص و استفاده از آن‌ها در بخش‌های اقتصادی و صنعتی از ضروریات

^۱ پژوهشگر و دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی

^۱ mohammadii.f@gmail.com

^۲ محمود سریع القلم، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، تهران: نشر سفیر، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۵.

دستیابی به اهداف توسعه می‌باشد. کنفسیوس می گوید: «اگر برنامه یکساله دارید برنج بکارید. اگر برنامه ده ساله دارید درخت بکارید و اگر برای صد سال آینده خود برنامه‌ریزی می کنید انسان تربیت کنید.»^۳

بنابراین، توسعه و توسعه یافتگی از جمله مباحثی است که همواره ذهن سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را به خود مشغول کرده است. کشورهای مختلف و حتی مناطق تشکیل دهنده آن‌ها خواهان دستیابی به سطحی از توسعه معتدل و پایدار هستند که بتوانند به بهبود زندگی تمامی مردمان بینجامد. اما این که توسعه چیست و انتظار مردم و جامعه از این فرآیند چیست، اصلی‌ترین سوالی است که شاید پاسخ واحدی به آن داده نشده است. تعاریف مختلف و متعددی از توسعه ارائه شده است که به رغم متفاوت بودن آن‌ها، همگی بر گستردگی و چندبعدی بودن توسعه اتفاق نظر داشته و غایت آن را بهبود شرایط زندگی و یا به عبارتی زندگی بهتر و برتر برای تمامی نسل‌ها می دانند.^۴ این نوشتار بر آن است تا به واکاوی مفهوم توسعه از دیدگاه اسلامی پرداخته و سپس به نقش زن در توسعه جامعه اسلامی اشاره نماید.

بررسی مفهومی توسعه در اسلام

در ابتدای سخن باید مطرح نمود که در زبان سنتی اسلامی واژه‌ای که مترادف با واژه «توسعه» باشد وجود ندارد، همچنان‌که معنای جدید این اصطلاح فقط در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی در زبان‌های غربی پیدا شد. کاربرد فی نفسه این واژه یا تعریف مجدد واژگان در زبان‌های اسلامی که رساننده مفهوم آن باشد نشان دهنده این امر است که اندیشه توسعه نخست به وسیله متفکران غربی به صورت مفهوم در آمد.^۵

از لحاظ لغوی، توسعه معادل لغت انگلیسی Development بوده و لفظ «توسعه» در ادبیات عرب بر وزن تفعله (مصدر باب تفعیل است) مانند: تغذیه و تزکیه که معنی فعل

^۳ صدیقه صائمیان، «بررسی اشتغال زنان و توسعه»، تحول اداری، دوره چهارم، شماره ۱۷، ۱۳۷۶، ص ۴۳.

^۴ صادق بختیاری، مجید دهقانی زاده، سید مجتبی حسین پور «بررسی جایگاه استانهای کشور از منظر شاخص توسعه انسانی»، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۹، نیمه دوم دی ماه ۱۳۸۵، ص ۱۲.

^۵ ویلیام سی. چیتیک، «به سوی خداشناسی توسعه»، ر.ک:

<http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=21218&pageId=1#>

متعددی در آن ملحوظ است. ماضی آن وسع و مضاری آن یوسع و مصدر آن توسعه است به معنی «وسعت بخشیدن» است^۶

اگر بخواهیم در منابع دینی معادل معنای توسعه را استخراج نماییم، می‌توانیم از مفاهیمی همچون عمران، احیاء زمین، تعلیم و تربیت نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری، کشاورزی، صنعت، تجارت و... به عنوان عوامل لازم برای توسعه و از مفاهیمی همچون رفاه، گشایش در معیشت زندگی، افزونی درآمدها، توزیع عادلانه ثروت، ... به عنوان آثار توسعه استفاده کنیم. واژه عمران به معنای آبادی است.

در قرآن به صراحت بیان شده است که حضرت صالح به قوم ثمود گفت: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^۷ «او است که شما را از زمین (از مواد زمینی) ایجاد کرد و با تربیت تدریجی و هدایت فطری به کمالتان رسانید، تا با تصرف در زمین آن را قابل بهره برداری کنید»^۸

شیخ طوسی در تفسیر تبیان در راستای آیه مذکور (۶۱ سوره هود) آورده است: «قوله: «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» ای جعلکم قادرین علی عمارة الارض و مکنکم من عمارتها و الحاجة الی سکنها» خدا فرموده است: «شما را به آبادانی در آن گماشت» یعنی بر آبادانی زمین توانا کرد و نسبت به آبادانی آن شمارا متمکن و نیرومند ساخت و نیازمند سکونت در زمین قرار داد»^۹ بنابراین، اسلام بر آباد کردن زمین‌ها و شهرها و تعطیل نگذاشتن اراضی تأکید فراوان دارد که از عوامل مهم رشد تولید می‌شود.^{۱۰}

در این جا لازم است جهت روشن شدن اهمیت هر چه بیشتر مطلب به نمونه‌هایی از سرچشمه‌های توسعه اشاره نماییم؛ حضرت آدم(ع) اولین شخصی بود که به تعلیم خداوند، به کشاورزی و کشت گندم دست زد و هابیل فرزند صالح او این کار را توسعه داد. سایر انبیا

^۶ غلامرضا صدیق اورعی، «اسلام و توسعه اقتصادی»، ر.ک:

<http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=23744&pageId=1#>

^۷ هود: ۶۱

^۸ محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران: محمدی، دارالعلم،

۱۳۸۵، ج ۱۰، ۴۵۹/۱۰.

^۹ محمد بن الحسن طوسی، تفسیر تبیان، نجف: مکتبه الامین، ۱۳۷۶، ج ۱۶/۶.

^{۱۰} دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها

(سمت)، ۱۳۷۱، ص ۲۰۶.

در هزاره اول این کار را ادامه دادند تا اینکه نوبت به حضرت نبیط یکی از فرزندانگان حضرت نوح(ع) که فردی صالح بود؛ رسید. وی کشاورزی را به‌طور گسترده‌ای توسعه داد و علاوه بر زراعت، به کشت درخت و احداث نه‌رها و جاری کردن آن‌ها دست زد.^{۱۱} این آغاز توسعه دو صنعت آبیاری و باغداری بود که تا امروز ادامه یافته است.

حضرت داود(ع) نخستین فردی است که به تعلیم خداوند، صنعت ریخته‌گری در فلزات را ابداع نمود.^{۱۲} سیاست‌ها و نهادهای تواناسازی که پیامبر اکرم(ص) هنگام ورود به مدینه معرفی کرده، با در نظر گرفتن نیازهای مالی فراوان یک کشور جدید که از هر سو مورد تهدید نظامی است، تحیر آور است. برخی از این اقدام‌ها عبارتند از ایجاد بازاری جدید، حذف تمام انواع محدودیت‌های مالی و فیزیکی و از جابه‌جایی کالا و افراد، توزیع زمین برای توسعه کشاورزی، افزایش مزارع حتی به دست خودش و محترم شمردن قراردادهای مبادله به صورت یگانه ابزار مالکیت دارایی مبتنی بر بازار.^{۱۳}

از این‌رو با تأملی در تاریخ و تعالیم انبیا در می‌یابیم که منشأ پیدایش بحث نظری توسعه در علوم انسانی و حکمت عملی و علم اداره حکومت، پیامبران خصوصاً رسول اکرم(ص) و معصومین بوده‌اند.^{۱۴} در واقع ادیان حقیقی، از جمله دین مبین اسلام هدفی جز تحقق عینی توسعه نداشتند، چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم درباره هدف نهایی تمامی انبیای الهی می‌فرماید:

« هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ »^{۱۵} « اوست خدایی که میان عرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آن‌ها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و

^{۱۱} محمدجواد سلمان‌پور، جایگاه توسعه اقتصادی در اسلام (۱)، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۷، ش ۴، تیر،

۱۳۸۶، ص ۵۹. و احمدبن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۴.

^{۱۲} سلمان‌پور، پیشین، ص ۵۹. و محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳، ج ۵/۷۴.

^{۱۳} منذر کحف، «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»، ترجمه: سعید و محمدعلی فراهانی، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، بهار

، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰.

^{۱۴} سلمان‌پور، پیشین، ص ۵۸.

^{۱۵} جمعه: ۲.

شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آنکه پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند»^{۱۶}

اگر از دیدگاه معنی شناختی و توسعه یکبار دیگر آیه مذکور را از نظر بگذرانیم متوجه خواهیم شد که حضور واژه‌های کلیدی گسترده ای چون بعثت، رسالت، تلاوت، تزکیه، تعلیم، کتاب و حکمت در یک آیه کوچک، آن هم در مقابل واژه کلیدی ضلالت که یکی از بهترین تعبیرها و سمبل‌های توسعه نیافتگی است، تا چه اندازه حساسیت علاقه ادیان را به فرآیند توسعه نشان می‌دهد.

رشد نیز یکی از مفاهیم فرهنگ اسلامی^{۱۷} و دارای محتوای بسیار وسیع و پردامنه است.^{۱۸} در روایات آمده است که سنت پیامبر(ص) رشد بود. و اساساً پیامبر به سوی رشد هدایت می‌نمود^{۱۹}. بنا به نقل مفردات راغب رشد در قرآن کریم برای امور دنیوی و اخروی هر دو به کار می‌رود و رُشد صرفاً در امور اخروی.

شایان ذکر است که از دیدگاه اسلام، شاخص اصلی توسعه تقوا است. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»^{۲۰} شعار «ویل لمن ساوی یوماه» بیانگر توسعه پیوسته و مستمر جامعه اسلامی است ولی ریشه این توسعه در جان انسان‌هاست: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^{۲۱} انسان و جامعه اسلامی پیوسته باید در مسیر تهذیب و تزکیه جان خود از آلاینده‌ها و کدورت‌های ماده پرستی باشد تا آن چه که از او سر می‌زند زیبا، دوست داشتنی و سعادت آفرین باشد. حتی خشن‌ترین دستورات الهی، یعنی بسیج نظامی، با انگیزه حفظ مصالح و منافع دشمن از طریق جلوگیری از بسط تجاوز و ستم اوست و این نکته ظریف را به راحتی می‌توان از حرف «لام منفعت» که به جای «علی» در این آیه شریفه به کار رفته است، استفاده کرد: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ»^{۲۲} در حالی که اگر انگیزه بسیج نظامی در مقابل دشمن در نابودی وی بود، به جای حرف «لام» در «لهم» حرف «علی» به

^{۱۶} طباطبایی، پیشین، ج ۴۳/۱۹.

^{۱۷} سلمان پور، پیشین، ص ۶۰.

^{۱۸} سلمان پور، پیشین، ص ۶۰.

^{۱۹} سلمان پور، پیشین، ص ۶۱ و نهج البلاغه، خطبه ۹۴، «و سنته الرشد».

^{۲۰} حجرات: ۱۳.

^{۲۱} زعد: ۱۱.

^{۲۲} انفال: ۶۰.

کار می‌رفت. بنابراین می‌توان گفت: توسعه دینی عبارت است از فرآیند بهره برداری بهینه از تمامی نعمت‌های خداداد در راستای تحول الهی انسان، جامعه و تاریخ.^{۲۳}

آیات و روایات فراوان و نیز سیره پیشوایان دین، سعادت آخرتی را از مسیر دنیا معرفی و برای رفاه انسان‌ها در کنار سعادت آخرت آن‌ها برنامه‌ریزی کرده است؛ از جمله، خداوند کسانی را که از نعمت‌های او جلوگیری می‌کنند، سرزنش می‌کند:^{۲۴} «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^{۲۵} «بگو: چه کسی زینت خدا را که برای بندگان خود بیرون آورده و روزی‌های پاکیزه را، حرام کرده؟»^{۲۶} در جوامع اسلامی نگاه به توسعه بر مبنای جهان‌بینی توحیدی و هدف خلقت انسان که همانا تقرب به خداوند می‌باشد و هدف نهایی از زندگی او که رشد و تعالی و رسیدن به این تقرب است نگرسته می‌شود. از این رو توسعه در جوامع اسلامی در بردارنده موارد زیر می‌باشد:

۱. علاوه بر بعد مادی، توجه به بعد ملکوتی «و نفحت فیه من روحی»^{۲۷}

۲. نگرش به اینکه انسان امانت دار خداست یک رسالت و مسوولیتی دارد و از یک کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است خداوند متعال او را نسبت به بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است: «و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیّبات و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً»^{۲۸} «ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را بر مرکب بر و بحر سوار و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم»

۳. پرورش استعدادها در راه کمال: «و لو شاء الله لجعلکم امّة واحدة و لکن لیبلوکم فی ما ء اتاکم فاستبقوا الخیرات»^{۲۹} «اگر خداوند می‌خواست همه شما را امت واحدی قرار

^{۲۳} سلیمان خاکبان، درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی حضور، ۱۳۷۵، صص ۷۲-۷۱.

^{۲۴} سعید فراهانی راد، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱، جهت

آگاهی بیشتر رک: سعید فراهانی، نگاهی به فقر و فقرزدایی در اسلام، ص ۱۱۹.

^{۲۵} اعراف: ۳۲.

^{۲۶} طباطبایی، پیشین، ج ۸/۸۳.

^{۲۷} حجر: ۲۹.

^{۲۸} اسری: ۷۰.

^{۲۹} مائده: ۴۸.

می‌داد، ولی او می‌خواهد شما را در آن چه عطایتان فرموده بیازماید و استعدادهای شما را پرورش دهد، پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوئید»^{۳۰}

۴. حرکت در هدف‌ها و آرمان‌هایی بس عالی و حرکت و تلاش، برای طلب رضای آفریننده معلول «ای نفس آرامش یافته همانا به سوی پروردگارت باز گرد خشنودی متقابل تو از او و او از تو. «و لکل وجهه هومولیتها فاستبقوا الخیرات» «برای هر کس سمت و هدفی برای حرکت در زندگی وجود دارد، شما برای وصول به نیکهیا سبقت بگیرید»^{۳۱}

نگرش اسلام به توسعه، بر این پایه استوار است که خداوند سبحان هستی را آفریده و انسان را در زمین جانشین خود قرار داد تا طبق روش و شریعت الهی به عمران و آبادانی زمین بپردازد. خداوند متعال همچنین انسان را متمایز از سایر مخلوقات آفرید، تا او بتواند این وظیفه را انجام دهد. پروردگار همچنین به فضل و کرم خویش تمام امکانات لازم را در انجام این مأموریت برای وی فراهم کرد. از این رو سرنوشت انسان و آینده او در دنیا و آخرت، با توجه به انجام (یا عدم انجام) این مأموریت توسط او رقم می‌خورد و تعیین می‌شود.

منظور از روش الهی، قوانین نظم دهنده حیات بشری است که پیامبران الهی برای مردم آوردند، تا آن که نوبت به رسالت اسلام رسید که پرچم آن را حضرت محمد (ص) بر دوش داشت و آن را برای همه مردم جهان ارائه نمود^{۳۲}.

توسعه دینی در پیوند (من متعالی) به حضرت اعلا معنی و تفسیر می‌شود. انسان‌ها و جوامع هر میزان که از این نقطه توکل و اتکا دور باشند از توسعه یافتگی واقعی دورترند. شادابی زندگی و جاودانگی رفاه و برخورداری و در یک کلمه سعادت و کامیابی در زندگی دنیوی به این پیوند و پیوست وابسته است^{۳۳}.

ساختار اهداف اسلام ایجاب می‌کند که به امور مادی و معنوی به یک اندازه در کنار هم اهمیت دهد که بر جامعیت ماده و معنی به گونه‌ای متعادل تأکید کرده است.

^{۳۰} فاطمه صفری، الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی: براساس دیدگاه حضرت امام خمینی (رض)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۴، صص ۳۶-۳۴.

^{۳۱} بقره: ۱۴۸.

^{۳۲} ابراهیم العسل، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب، ۱۳۷۸، ص ۷۶.

^{۳۳} سید عباس صالحی، «نماد توسعه متوازن»، ر.ک: <http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=29036&pageId=1#>

مسئولیت انسان را به امور معنوی محدود نکرده است، و به همان نسبت که دستورهای معنوی دارد، بشر را به مسئولیت‌های دنیایی و تنظیم روابط اجتماعی مکلف کرده است. از ساده‌ترین مسایل جامعه تا پیچیده‌ترین مشکلات روابط اجتماعی را روشن کرده است و راه حل مشکلات احتمالی را نشان داده است و راهنمایی لازم را پیرامون هر مسأله بوضوح بیان کرده است، به گونه‌ای که در همه زمان‌ها صلاحیت بقا و اجرا را داشته باشد؛ زیرا اسلام می‌داند که پایه استوار حیات جامعه در گرو اهتمام به این هر دو جنبه است. با این توضیح، فرضیه جدایی دین از زندگی اجتماعی به هیچ رو نمی‌تواند با طبیعت دین اسلام سازگار باشد.^{۳۴}

در واقع قرآن کریم بین توسعه مادی و معنوی جامعه با ایمان و تقوای آن رابطه مستقیم برقرار می‌کند. «و لو ان اهل القران آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما كانوا یکسبون» «آیا نباید به نقش ایمان و تقوی در توسعه بیندیشیم مگر کار دنیا از دست خدا خارج شده است؟ حکومت انسان‌ها روی زمین در طول حکومت خداست یا در عرض آن؟ توسعه مادی و معنوی دنیا با تدبیر دینی دنیا بدست می‌آید که در آن با نور دین، عقل کاملاً هم فعال است یا با عقل مادی که دین هم نظارتی استطاعی داشته باشد.^{۳۵} جامعه در تفسیر اسلامی‌اش، در جستجوی مشخصه‌های رشد و کمال است و مسیر حرکت خود را به سوی تکامل اجتماعی هدف‌گیری می‌کند. این تکامل، در پرتو آموزه‌های دینی شاخص‌گذاری می‌شود و با تکیه بر آن، مراحل رشد و کمال جمع‌ها و بخش‌های مختلف جامعه و در نهایت کل جامعه طبقه بندی می‌گردد. در کنار توانمندی‌های مادی و استعدادهای مدیریتی این جهانی، ارزش‌های دینی جایگاهی بسیار مهم و بلکه در اولویت اول، در طبقه بندی مزبور ایفا می‌کند.^{۳۶}

براساس آنچه بیان شد به خوبی روشن می‌گردد که تکامل معنوی و اخلاقی نه تنها در بستر توسعه مادی و اجتماعی دیده شده است بلکه از منظر، ابعاد مادی و معنوی

^{۳۴} محمد مهدی شمس الدین، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه و تحشیه مرتضی آیت الله زاده شیرازی،

تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۵، ص ۲۱.

^{۳۵} سید مرتضی نبوی، «میزگرد توسعه و عدالت اجتماعی»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه،

تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵، ص ۶۵۳.

^{۳۶} مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، **۱۳،

ص ۷۴ و ۱۰۸.

توسعه از یکدیگر قابل تفکیک نیست. لذا اگر شاخص‌های توسعه مطلوب را از قرآن کریم استخراج کنیم آشکارا خواهیم دید که شاخص‌های مادی و معنوی کاملاً در هم تنیده‌اند بلکه هیچ مرز و فاصله‌ای میان آن‌ها نمی‌توان ترسیم کرد. نکته جالب این جاست که ارزش‌های توسعه‌ای در مکتب اسلام غالباً به گونه‌ای است که همزمان از هر دو جنبه مادی و معنوی برخوردار است. بنابراین، می‌توان گفت توسعه در شکل جامع آن یکی از دغدغه‌های اصلی انبیاء و آیین‌های الهی است.^{۳۷}

جایگاه توسعه در قرآن

برای رسیدن به اهدافی که در قرآن کریم ذکر شده است مشارکت عموم مردم به عنوان وظیفه دینی واجب است زیرا قرآن کریم در بسیاری از احکام اجتماعی خطاب‌های جمع به کار گرفته و فلسفه ارسال رسل و انزال کتب و میزان را برقراری قسط روی زمین توسط مردم ذکر کرده است.^{۳۸}

از این رو از نظر شهید مطهری انسان هم موضوع توسعه است و هم عامل و هم غایت و هدف توسعه است. البته باید ذکر نمود که ایشان قائل به تفکیک میان پیشرفت و تکامل می‌باشد، و معتقد است هر تکاملی پیشرفت است، ولی هر پیشرفتی تکامل نیست، و در مفهوم تکامل، تعالی اخذ شده است، توسعه به مفهوم انسانی آن را می‌توان مترادف و هم معنی با تکامل دانست. زیرا «تکامل این است که یک شیء، یک مرتبه‌ی واقعیتی را داشته باشد، بعد در مرحله بعد همان واقعیت را در درجه بالاتر داشته باشد. در واقع تکامل، تعالی در وجود و اشتداد در هستی است. هر چه کثرت‌ها و تغایرها و اختلاف‌ها به وحدت بیشتری می‌رسند و هر چه تنازع‌ها و تضادها جای خود را به تعاون و هماهنگی بیشتری می‌دهند و وحدت ارگانیک زیادتری می‌یابند، کامل‌تر می‌گردند...»^{۳۹}

بنابراین، از آن جا که محور و قلب توسعه، انسان است توسعه باید فراهم کننده زمینه شکوفایی استعدادها برای همه افراد جامعه باشد؛ به گونه‌ای که توانایی انجام وظایف و

^{۳۷} محمد تقی سبحانی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران، ۱۳۸۲، ص ۵۳.

^{۳۸} نبوی، پیشین، ص ۶۵۴.

^{۳۹} محمود اصغری، «مبانی دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری»، اندیشه، سال دوازدهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷ و مرتضی مطهری، نقدی بر مارکسیسم، تهران: صدرا، ۱۳۶۳، ۲۷۶.

رسالت‌های خود را کسب کنند (خلیلیان اشکذری ۱۳۸۶: ۶۴) « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^{۴۰} » در فرآیند توسعه تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان و هر دو بعد جسم و روح وی به موازات هم باید در نظر گرفته شود. « وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ^{۴۱} »

توسعه فرآیندی جهت دار است و هدف نهایی آن رسیدن انسان به کمال شایسته مقام اوست که بر اساس جهان بینی و فرهنگ اسلامی، کمال نهایی انسان قرب الی الله است. « يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ^{۴۲} » « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^{۴۳} » « وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^{۴۴} » « يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً^{۴۵} »

توسعه مطلوب از نظر اسلام رسیدن بشر به حیات معقول و به تعبیر قرآن حیات طیبه است. «حیات معقول انسان، وضعیتی است که در آن نیازهای مادی و جسمی اش در محدوده امکانات موجود به بهترین و آسان ترین وجه تأمین شود؛ به گونه ای که زمینه رشد و تعالی معنوی وی و رسیدن به مقام والا و شایسته ای که خداوند متعال بشر را برای آن آفریده است، فراهم باشد.»^{۴۶}

توسعه انسانی، را در اندیشه دینی می‌توان این گونه تعریف نمود: «توسعه انسانی فرآیندی است فردی و اجتماعی که طی آن، استعداد‌های انسان به منظور رسیدن به کمال حقیقی - قرب الهی - از طریق تأمین نیازهای واقعی به فعلیت می‌رسد.»

^{۴۰} اسراء: ۷۰.

^{۴۱} قصص: ۷۷.

^{۴۲} انشقاق: ۶.

^{۴۳} بقره: ۲۱.

^{۴۴} ذاریات: ۵۶.

^{۴۵} فجر: ۲۸-۲۷.

^{۴۶} محمد جمال خللیان اشکذری، «شاخص های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۷، شماره ۲۸، زمستان، ۱۳۸۶، صص ۶۷-۶۶.

طبق این تعریف، «توسعه انسانی» قرار گرفتن انسان در مسیر بایستگی‌ها و شایستگی‌های خود در حیات مادی و معنوی است. در این تعریف، چند نکته اساسی وجود دارد که شرح آن‌ها می‌آید:

۱. توسعه انسانی فرایندی است دارای مبدأ، مسیر و مقصد که در این تعریف، به هر سه اشاره شده است:

الف. مبدأ: مبدأ توسعه انسانی عبارت است از: آگاهی به بعد معنوی و استعداد کمال جویی وی در مسیر اعتلا. این آگاهی و بیداری موجب می‌شود تا انسان جهانی را که در آن زندگی می‌کند جدی بگیرد و در مسیر «حیات طیبه» گام بردارد.

ب. مسیر: مسیر توسعه انسان همان تکاپوی آگاهانه است که انسان را از «آن چنان که هست» با تکامل خویش به «آن چنان که باید باشد» می‌کشاند.

ج. مقصد: مقصد توسعه انسانی هدف اعلای حیات - یعنی رسیدن به «لقاءالله» و کسب نشان «خليفة اللهی» در میان سایر موجودات جهان هستی - است این غایت به نوبه خود، تعدادی از اهداف واسطه‌ای کلی و فرعی را به خدمت می‌گیرد.

۲. این که توسعه انسانی یک فرایند فردی و اجتماعی است و در دو بستر فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد و انسان در مسیر شدن، از هر دو قلمروی واقعیات درون و بیرون بهره برداری می‌کند. تأمین نیازهای مادی و معنوی، که پیش شرط شکوفایی استعدادهاست، در بستر اجتماع صورت می‌گیرد و در آن، عوامل مهمی از جمله «رهبری الهی» نقش اساسی دارد و پرورش استعدادهای فردی و اجتماعی در بستر فردی صورت می‌گیرد؛ زیرا شکوفایی استعدادهای درونی، فرایندی کاملاً فردی و درون ذاتی است و هیچ کس نمی‌تواند به جای دیگری استعدادهای وی را شکوفا سازد. بر خلاف تأمین نیازها که یک فرایند کاملاً برون ذاتی است. پس توسعه انسانی یک فرایند برون ذاتی صرف، به معنای تأمین حداکثر نیازها و گسترش دامنه قدرت انتخاب نیست.

«اسلام به این منظور بوجود آمد که به انسان ابعاد واقعی و شأن انسانی عطا کند، انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بدهد و به غنای روحی {...} برساند.»^{۴۷}

^{۴۷} روح الله خمینی، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۲، ۲۶۳.

«مقصد اسلام و مقصد همه انبیاء این است که آدم‌ها را تربیت کنند، صورت‌های آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند. مهم در نظر انبیاء این است که انسان درست بشود. اگر انسان درست شد، همه مسائل حل می‌شود... انسان آگاه مهذب همه ابعاد سعادت را برای کشور تأمین می‌کند دست ظالم را کوتاه می‌کند.»^{۴۸}

در این صورت انسان به همان حیات طیبه ای که قرآن کریم مطرح کرده خواهد رسید. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ »^{۴۹}

« هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و پاداششان را بهتر از آنچه عمل می‌کرده اند می‌دهیم.»^{۵۰}

علامه طباطبایی حیات طیبه را حیاتی می‌داند که در آن انسان برای خود آنچنان ارزش، کرامت و عزتی ببیند که در آن هیچ‌گونه زوال، رنج و کدورت نباشد و تمامی آن خیر و سعادت بوده و در یک جمله، حیاتی حقیقی که در آن انسان همه اموری را که خداوند برایش تقدیر می‌فرماید حسن و جمیل ببیند و در راه تکامل خود هیچ چیز را جز نافرمانی خدا زشت و ناپسند نداند و چنین حالتی نتیجه ایمان و عمل صالح است که در آیه شریفه ذکر شده است.^{۵۱}

از نظر مکارم شیرازی حیات طیبه «زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هر گونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد» است.^{۵۲}

بنا بر تفسیر آیات و آموزه‌های اسلامی برگرفته از سخنان پیشوایان معصوم(ع) مفروضات از حیات معقول را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد:

۱- محور و موضوع ترسیم حیات معقول انسان و هدف آن تحقق خواسته‌ها و نیازهای اوست؛

^{۴۸} همان، ج ۱۶/۷.

^{۴۹} نحل: ۹۷.

^{۵۰} طباطبایی، پیشین، ج ۴۷۵/۱۲.

^{۵۱} خلیلیان اشکذری، پیشین، ص ۶۷، و طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۱ ق)، تفسیر المیزان، ۱۲، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، ج ۳۴۲-۳۴۳/۱۲.

^{۵۲} همان، ص ۶۷، و ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰، ص ۳۹۴.

- ۲- انسان در انتخاب راه زندگی و رفتار خود موجودی صاحب اختیار است؛
- ۳- افزون بر نیازهای مادی، انسان نیازهای روحی و تمایل‌های معنوی نیز دارد؛
- ۴- یگانه راه یافتن جهت درست و معقول در زندگی آن است که انسان با استفاده از عقل و آگاهی، راه پیروی از وحی و دستوره‌های الهی را برگزیند و بداند که نیازمند وحی است و دانش وی به تنهایی برای یافتن راه حیات معقول کافی نیست؛
- ۵- با دستیابی انسان به حیات معقول، افزون بر زندگی این جهانی وی، حیات بعد از مرگش نیز به بهترین وجه تأمین می‌شود.^{۵۳}

نقش زن در توسعه اسلامی

زن در جایگاه انسان، محور توسعه و از ارکان اساسی آن است و توسعه ایده‌آل توسعه‌ای است که موقعیت انسانی و طبیعی زن را لحاظ کرده و تفاوت‌های او را با مرد به فراموشی نسپارد و نقش‌های متناسب با ویژگی‌های او را در نظر بگیرد. نقش زن در فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی، فراهم آوردن فضای سالم برای تربیت نسل فعال و کارآمد و حضور فعال و تأثیرگذار در عرصه سرنوشت اجتماعی، از نقش‌های مهم زنان در توسعه اسلامی است. رویکرد تمدن‌گرایی تحقق‌دین در متن زندگی زنان مسلمان را در گرو داشتن مدل‌های مطلوب مدیریت و برنامه‌ریزی اجتماعی و طراحی روشن برای توسعه همه‌جانبه جامعه زنان بر بنیادهای ارزشی و فرهنگی اسلام و در راستای اهداف و مقاصد عالی‌تر شرع و عقل می‌داند.^{۵۴}

رویکرد تمدن‌گرا هم‌زمان خواهان کارآمدی دین و نقش توسعه‌ای آن در حوزه زنان هستند، اما بر این عقیده‌اند که کارآمدی و توسعه باید در راستای اهداف و ارزش‌های اصولی اسلام تعریف شود. این دیدگاه به جای پیشرفت صرفاً ظاهری و مادی، به دنبال تحقق توسعه همه‌جانبه زنان بر بنیاد حقایق و ارزش‌های متعالی دینی است.^{۵۵} از این روست که مدرنیست‌های اسلامی اولیه همچون محمد عبده ادعا کرده‌اند که اسلام اولین اجتماعی بود که برابری کامل زن با مرد را به رسمیت شناخت. حسن بنا و سید قطب بیان کرده‌اند که

^{۵۳} محمد جمال خلیلیان اشکذری، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: انتشارات موسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، ص ۷۱-۷۰.

^{۵۴} سبحانی، پیشین، ص ۵۴.

^{۵۵} سبحانی، پیشین، ص ۹۱.

اسلام زنان را از بهره برداری از جنسیتشان که در سرمایه داری غربی است، محافظت می نماید.^{۵۶}

«اسلام می‌خواهد زن و مرد رشد داشته باشند.»^{۵۷}

«زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند.»^{۵۸}

«صلاح و فساد جامعه در گرو صلاح و فساد زن‌هاست.»^{۵۹}

«همه ملت ایران، همه ملت ایران، چه بانوان و چه مردان باید این خرابه ای که برای ما گذاشته اند، بسازند. با دست مرد تنها درست نمی‌شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند.»^{۶۰}

«اسلام زن را در مقابل مردها قرار داده، نسبت به آن‌ها تساوی دارند.»^{۶۱}

«زن در نظام اسلامی (نظامی شناختی، حقوقی و ارزشی) جایگاه همانند مرد دارد.»^{۶۲}

«اسلام بر صلاحیت کامل زن برای زندگی معنوی و دست‌یابی به بالاترین مراتب کمال، تأکید می‌نماید. لذا، صلاحیت برای زن برای تقرب به خداوند متعال از طریق اطاعت و عبادت، به‌طور کامل همانند مرد است.»^{۶۳}

«زنان شیردل و متعهد، هم‌دوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته چنانکه که به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته اند و شما شهر و روستایی را نمی‌یابید جز آنکه در آن‌ها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زن‌های متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است.»^{۶۴}

^{۵۶}Elizabeth Shlalaleo , "Islamic Female Sexuality and Gender in Modern Feminist interpretation", Islam and Christian-Muslim Relations, Vol.16, No.2, April,2005,p. 130

^{۵۷}خمینی، پیشین، ج ۸۲/۳.

^{۵۸}همان، ج ۱۵۳/۵.

^{۵۹}همان، ج ۱۶/۱۲۵.

^{۶۰}همان، ج ۱۱/۲۵۴.

^{۶۱}همان، ج ۴/۶۰.

^{۶۲}آیت‌الله محمد مهدی شمس‌الدین، حدود مشارکات سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی، تهران: موسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۶، ص ۲۱.

^{۶۳}همان، ص ۲۳.

^{۶۴}خمینی، پیشین، ج ۱۲/۷۲.

سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

«امروز زنان در جمهوری اسلامی همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان، نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می‌شد، که آزادی آنان، در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود.»^{۶۵}

سعادت در دیدگاه حجت خدا، انسان کامل و معصوم، امام صادق (علیه السلام) از آن چنین بانویی است: سعیده سعیده امرأة تکرّم زوجها و لا تؤذیهه و تعطیه فی جمیع أحواله.^{۶۶} سعادتند خوشبخت است زنی که شوهرش را گرامی بدارد؛ او را آزار ندهد و در تمام حالات مطیع او باشد.^{۶۷}

«الگو حضرت زهرا- سلام الله علیها- است.»^{۶۸}

«ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد.»^{۶۹}

«اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند.»^{۷۰}

«در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد.»^{۷۱}

«زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقاء می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شی بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد.»^{۷۲}

از شاخصه‌های اساسی توسعه بر مبنای دیدگاه اسلامی، تبیین نقش و جایگاه خاص زن و مرد بر اساس ویژگی‌های طبیعی آن‌هاست. در دیدگاه جهان‌بینی اسلامی، تفاوت جنسیت زن و مرد، آن دو را برای کارکردهایی خاص مناسب کرده است که قرار گرفتن هر

^{۶۵} همان، ج ۱۰/۲۳۴.

^{۶۶} بحارلانواری، ج ۱۰، روایت ۵۵، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۲۵۳.

^{۶۷} محمدرضا امین زاده، جایگاه اخص و ممتاز زن، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۳۱.

^{۶۸} خمینی، پیشین، ج ۱۷/۷.

^{۶۹} خمینی ۱۳۶۱: ج ۵/۱۵۳.

^{۷۰} همان، ج ۵/۱۵۳.

^{۷۱} همان، ج ۳/۹۳.

^{۷۲} همان، ج ۳/۱۰۱.

یک از دو جنس در مدار متناسب با آفرینش خویش (تناسب تکوین و تشریح) موجب می‌شود تا زن و مرد به کمال و رشد صحیح دست یابند. از این رو، ضمن تأکید بر وجود عرصه‌های مشترک و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی مشترک برای زن و مرد، می‌بایست تفاوت‌های زن و مرد را در ایفای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی مورد توجه قرار دارد. در سیاست‌گذاری‌های نظام اسلامی در راستای توسعه مطلوب، می‌بایست زنان و مردان را در نقش‌هایی که کارآمدی‌های متناسب با ویژگی‌هایشان دارد به کار گرفت و آنان را از برابری و تشابه در نقش‌ها پرهیز داد که این تشابه به ضرر فرد و جامعه و خود زنان و مردان خواهد بود.^{۷۳}

زن به عنوان همسر و مادر، بدون تردید دارای نقش‌های متفاوتی نسبت به مرد به عنوان همسر و پدر است؛ ولی این دو نقش در عین حال، کاملاً مکمل یکدیگرند؛ چنان‌که زندگی به همان اندازه که امکان جای‌گزینی آن‌ها با یکدیگر را ندارد به هر دوی آن‌ها نیاز دارد. اینک می‌توان نتیجه گرفت که زن به این اعتبار، دارای تأثیر فراوانی بر روند توسعه نیز هست و به رغم تعدد علل و عوامل توسعه (علل فاعلی، علل غایی، علل صوری و علل مادی)، بیشترین تأثیر را در این میان بر جای خواهد گزارد؛ زیرا زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف به خوبی ایفای وظیفه نماید. به عنوان مثال به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

۱. فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی: اگر زن در این امر موفق باشد، می‌تواند شالوده جامعه انسانی سالم، دارای اعتماد به نفس، امیدوار به آینده و مصمم را بنا نهد. در غیر این صورت، جامعه به لحاظ عاطفی، ناپایدار و به لحاظ معنوی، متزلزل خواهد بود و زمینه گسترش تبهکاری و رخوت و کاهلی در آن فراهم می‌شود و به تدریج ویژگی‌های خلاق خود را از کف می‌دهد. همسر و مادر خوب، قوام زندگی خانوادگی خوب را تشکیل می‌دهد و این به نوبه خود قوام و دوام جامعه خوب را (آنچنان که متون اسلامی نیز بر آن تأکید دارند) تضمین می‌کند.

۲. فراهم آوردن فضای مناسب برای تربیت نسل فعال و کارآمد: پیش از این گفتیم که انسان خوب، محور توسعه است. چنین انسانی نیازمند روند تربیتی - پرورشی مداومی است

^{۷۳} محمد علی تسخیری، «اسلام، توسعه و نقش زن مسلمان (1) و (2)»، ر.ک: <http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=22653&pageId=1#>

که نیروهای سازنده او را به منصفه ظهور برساند و توان درونی‌اش را عیان کند. این مهم نیز خود به خود صورت نمی‌گیرد؛ بلکه نیازمند روند تربیتی و فضای پرورشی مناسبی است. تردیدی نیست که زن مهم‌ترین تأثیر را در پرورش عناصر انسانی دارد و آن‌چنان‌که می‌گویند در پشت هر مرد بزرگ، زن بزرگی قرار دارد و چه بسیارند بزرگ‌زنانی که در تاریخ پرفراز و نشیب ما حضور داشته‌اند.

۳. فراهم آوردن فضای شورانگیز عاطفی با استفاده از استعدادها و طبیعتی زن در برآوردن این نیاز ضروری انسان از یک سو، و ایجاد حالت‌های عاطفی مورد نیاز برای گذر از دشواری‌ها و موانع و ایجاد توسعه اجتماعی پایدار از سوی دیگر: جامعه‌ای که فاقد چنین محیط یا فضای عاطفی و گرم باشد، جامعه‌ای خاموش و محیط مرده‌ای است که به رغم پیشرفت احتمالی، در برخی عرصه‌های مادی، فاقد جلای انسانی مطلوب و در نتیجه ناتوان از ایجاد توسعه متعادل خواهد بود. به همین دلیل، آشکارا روشن می‌شود که زن در فراهم آوردن محیط شاداب و دل‌پذیر خانوادگی، نقش به‌سزایی دارد.

جمع بندی

در راستای جمع بندی این نوشتار از سخنان شهید مطهری درباره آنچه که توسعه به سبک غربی نامیده می‌شود بهره گرفته می‌شود؛ آنجا که می‌گوید: بشر امروز پس از این همه موفقیت‌های علمی، دردمندان می‌نالد. از چه می‌نالد؟ کسری‌ها و کمبودهای در کدام ناحیه است؟ آیا جز در ناحیه‌ی خلق و خوی و «آدمیت» است؟ بشر امروز از نظر علمی و فکری پا به جایی نهاده که آهنگ سفر افلاک کرده و سقراط‌ها و افلاطون‌ها باید افتخار شاگردی‌اش را بپذیرند، اما از نظر روح و خوی و منش، یک «زنگی مست تیغ بران به دست» بیش نیست. انسان امروز با همه پیشرفت‌های معجزه آسا در ناحیه‌ی علم و فن، از لحاظ مردمی و انسانیت گامی پیش نرفته، بلکه به سیاه‌ترین دوران سیاه خویش بازگشته است؛ با یک تفاوت، و آن این‌که از برکت قدرت علمی و فلسفی و ادبی خویش، برخلاف گذشته، تمام جنایت‌ها را در زیر پرده‌ای از تظاهر به انسانیت و اخلاق، نوع پرستی، آزادی خواهی و صلح دوستی انجام می‌دهد... این یکی از تناقضاتی است که منطق بشر امروز گرفتار آن است.»

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

ریشه مشکلات بشر را در همین جا باید جست، همچنان که ریشه نیاز به دین و معنویت و ایمان به پیامبر را نیز در همین جا باید به دست آورد.^{۷۴}

برای دستیابی به اهداف شریعت، حتی در وضعیت سیاسی مناسب، مهمترین مسأله، انگیزه دادن به نیروی انسانی برای انجام عملی است که در جهت تخصیص کارا و توزیع عادلانه درآمدها است؛ بنابراین، افراد باید به ارائه بهترین مقدراتشان از طریق کار بسیار و کارا همواره با استقامت و وجدان کاری و نظم، و نیز به فداکاری‌های لازم برای غلبه بر موانعی که در مسیر توسعه ظاهر می‌شوند، مشتاق باشند.^{۷۵}

اگر زن در جایگاه اصلی خویش قرار گیرد و مرد با حفظ احترام و موقعیت زن و بزرگ شمردن مسئولیت او، به وظیفه الهی خود در قبال زن عمل کند، این همه فتنه و فساد در اجتماع بشری راه نمی‌یابد^{۷۶} و مسیر توسعه و پیشرفت بیش از پیش هموار و میسر می‌گردد.

فهرست منابع:

- احمدبن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- احمدی، محمد مهدی، «توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی قدس سره»، ر.ک: <http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=25225&pageId=1#>
- اختر شهر، علی، اسلام و توسعه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵. اسرا.
- اصغری، محمود، «مبانی دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری»، اندیشه، سال دوازدهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۸۵.
- اعراف.
- العسل، ابراهیم، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب، ۱۳۷۸.
- امین زاده، محمدرضا، جایگاه اخص و ممتاز زن، تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

^{۷۴} اصغری، پیشین، ص ۱۴۵، مرتضی مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ج ۱۶، ۱۳۷۷، صص ۲۹-۲۵.

^{۷۵} محمد عمر چیرا، اسلام و چالش اقتصادی، مترجمین: سید حسین معزی، علی اصغر هادوی نیا، احمد علی یوسفی و ناصر جهانیان، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۱.

^{۷۶} امین زاده، پیشین، ص ۲۵.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

انشقاق.

انفال.

بختیاری، صادق، مجید دهقانی زاده، سید مجتبی حسین پور، «بررسی جایگاه استانهای کشور از منظر شاخص توسعه انسانی»، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۹، نیمه دوم دی ماه ۱۳۸۵. بقره.

تسخیری، محمد علی، «اسلام، توسعه و نقش زن مسلمان (1) و (2)»، ر.ک:

<http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=22653&pageId=1#>

جمعه.

حجر.

حجرات.

چیتیک، ویلیام سی.، «به سوی خداشناسی توسعه»، ر.ک:

<http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=21218&pageId=1#>

چیرا، محمد عمر، اسلام و چالش اقتصادی، مترجمین: سید حسین معزی، علی اصغر هادوی نیا، احمد علی یوسفی و ناصر جهانیان، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.

خاکبان، سلیمان، درآمدی بر اسلام، توسعه و ایران، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی حضور، ۱۳۷۵. خلیلیان اشکذری، محمد جمال، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.

خلیلیان اشکذری، محمد جمال، «شاخص های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۷، شماره ۲۸، زمستان، ۱۳۸۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبنای اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۱.

ذاریات.

رعد.

سبحانی، محمد تقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران، ۱۳۸۲.

سریع القلم، محمود، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، تهران: نشر سفیر، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر روی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

سلمان پور، محمدجواد، جایگاه توسعه اقتصادی در اسلام (۱)، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۷، ش ۴، تیر، ۱۳۸۶.

شمس الدین، محمد مهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه و تحشیه مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۵.

شمس الدین آیت الله محمد مهدی، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی، تهران: موسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۶.

خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۲، ج ۳، ج ۴، ج ۵، ج ۷، ج ۸، ج ۹، ج ۱۰، ج ۱۱، ج ۱۲، ج ۱۶، ج ۱۳۶۱، ۲۱.

صالحی، سید عباس، «نماد توسعه متوازن»، ر.ک:

<http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=29036&pageId=1#>

صائمیان، صدیقه، «بررسی اشتغال زنان و توسعه»، تحول اداری، دوره چهارم، شماره ۱۷، صص ۴۸-۴۳، ۱۳۷۶.

صدیق اورعی، غلامرضا، «اسلام و توسعه اقتصادی»، ر.ک:

<http://lib.ahlolbait.ir/web-browse/viewEbook.do?dcID=23744&pageId=1#>

صفری، فاطمه، الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی: براساس دیدگاه حضرت امام خمینی (رض)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۴.

طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ۱۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران: محمدی، دارالعلم، جلد ۱۳۸۵، ۸.

طوسی، محمد بن الحسن، تفسیر تبیان، نجف: مکتبه الامین، ج ۶، ۱۳۷۶.

عزتی مرتضی، «مفهوم توسعه و توسعه نیافتگی از دیدگاه حضرت امام خمینی (س)»، ولین همایش اسلام و توسعه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، اسفند، ۱۳۷۵.

عزتی مرتضی، «توسعه و عدالت از دیدگاه امام خمینی (س)»، بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (س)، مجموعه مقالات دومین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (س)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۰.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خردلو، ۱۳۹۳

فراهانی راد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱. جهت آگاهی بیشتر ر.ک: سعید فراهانی، نگاهی به فقر و فقرزدایی در اسلام، صص ۱۱۰-۱۰۰.

فجر.

قصص.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ۱۳۶۳. کهن، منذر، «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»، ترجمه: سعید و محمدعلی فراهانی، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، بهار، ۱۳۸۴.

مآئده.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰. مطهری، مرتضی، ممد/دهای غیبی در زندگی بشر، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ج ۱۶، ۱۳۷۷. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران: صدرا، ۱۳۶۳. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۰۰*.

معزی، سید حسین، «مفهوم توسعه و راهبردهای آن از دیدگاه امام خمینی (ره)، اسلام و توسعه (مجموعه مقالات)، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲. نبوی، سید مرتضی، «میزگرد توسعه و عدالت اجتماعی»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

نهج البلاغه، خطبه ۹۴، «و سنته الرشد»

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵: «و هدی الی الرشد»

نحل.

هود.

بحارلأنوار، ج ۱۰۰، روایت ۵۵، بیروت: مؤسسه الوفاء.

¹ Shlalaleo Elizabeth, "Islamic Female Sexuality and Gender in Modern Feminist interpretation", Islam and Christian-Muslim Relations, Vol.16, No.2, April, 2005.